

تریچه خانم

کتاب «تریچه خانم» قصه‌ی تریچه خانم بامزه و مهربانی است که جلو خانه اش یک باغچه‌ی نقلی دارد. در این باغچه تریچه‌های نقلی می‌کارد. از پنجره به آن‌ها نگاه می‌کند و با خودش فکر می‌کند: «بهتر است اوّل بروم تریچه‌ها را بچینم یا یک کم همین جاپشت پنجره بشینم و باغچه را تماشا کنم؟» تریچه خانم تا ظهر پشت پنجره می‌نشیند و باغچه را تماشا می‌کند. بعد، با خودش فکر می‌کند حالا برود تریچه‌ها را بچیند یا ناهار بخورد. این بار هم دومی را انتخاب می‌کند: ناهار می‌خورد. خوابش می‌گیرد. برود تریچه‌ها را بچیند یا بخوابد؟ می‌خواهد. از خواب بیدار می‌شود. برود تریچه‌ها را بچیند یا چای بخورد؟

تریچه خانم روز را به شب می‌رساند و آخر شب با خودش می‌گوید فردا حتماً تریچه‌ها را می‌چیند. تریچه‌ها بزرگ و بزرگ‌تر می‌شوند، آن قدر بزرگ که یک روز که توی سایه تریچه‌ها خوابیده بود، زمین زیر پایش می‌لرزد. لانه‌ی کلاغ‌ها روی سرش می‌افتد و از خواب می‌پرد. اینجا دیگر تصمیم می‌گیرد آستین بالا بزند و تریچه‌ها را بچیند. برگ‌های تریچه‌ها می‌گیرد و می‌کشد اما مگر می‌شود تریچه‌هایی به این بزرگی را به راحتی کند؟ اصلاً مگر تریچه زمین را می‌لرزاند؟ این‌ها که توی دستش گرفته است و می‌کشد برگ تریچه‌اند یا گوش‌های یک موش کورگنده؟ اگر راستی راستی یک موش کورگنده باشد با آن چه کار کند؟ برود یک چرتی بزند و بعد که بیدار شد یک فکری به حالش بکند؟ اگر موش کورگنده بلایی سرش آورد چه؟

نویسنده: فاطمه سرمشقی

ناشر: علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴



قانون‌های آبکی

کتاب «قانون‌های آبکی» داستان موجودات زنده‌ی یک برکه است که با اینکه در آب زندگی می‌کنند، یک قانون مهم دارند: همه باید در مصرف آب صرفه‌جویی کنند! موجودات ساکن برکه محلّ زندگی خود را خیلی دوست دارند. آن‌ها یک قانون دارند. آن‌هم این است که باید در مصرف آب صرفه‌جویی کنند اما یک روز صبح که از خواب بیدار می‌شوند، می‌بینند آب برکه کم شده است. پس مجبور می‌شوند قانون‌های جدیدی برای خود بگذارند و سعی کنند آب هم جمع‌آوری کنند. در نهایت، با بارش باران، آب برکه دوباره زیاد می‌شود و آن‌ها به زندگی سابق خود برمی‌گردند، اما قانون صرفه‌جویی در مصرف آب هم چنان به‌قوّت خود باقی است.



نویسنده: زهرا جلالی‌فر

ناشر: نردبان، ۱۳۹۵